

یک مسافر دایاک

نوشته کوسنی سولانگ

«برای کمک به قوم کوچک و رنج‌دیده‌ام چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ من می‌کوشم با سفر کردن و دیدن آنچه در سایر کشورها می‌گذرد جواب این سؤال را پیدا کنم. هر جا که می‌روم چشم و گوشم را خوب باز می‌کنم. من نیز به‌شیوه خودم و همچون کالاتو، پرندۀ زیبایی که سمبل قوم من است، در جنگل انبوه افکار از درختی به‌درخت دیگر پرواز می‌کنم.»

نماینده‌گانی از برادران و خواهران هان هم در بین ما هستند...
از آقای کیم پرسیدم: آیا ترس شما علت بخصوصی دارد؟ آیا تاکنون اختلاف و یا زدوخوردی با هان‌ها داشته‌اید؟
آقای کیم گفت: اختلاف عقیده جزئی از زندگی است. حتی گره‌ایها نیز همیشه با هم توافق ندارند. مهم این است که اختلافات را قبل از میل شدن به کشمکشهای جدی، حل کنیم.

کالاتو وانگ از میزبانان سؤال کرد: «آقای چونگ نظر شما چیست؟»

کالاتو چونگ، رئیس خانواده، قاطعانه جواب داد: «تا حال گره‌ایها و هان‌ها بهترین با هم کنار آمده‌اند و ما همیشه در امور روزمره به‌هم کمک می‌کنیم. اینجا، بچه‌های هان و بچه‌های ما در یک مدرسه درس می‌خوانند. آنها زبان گره‌ای را می‌آموزند و ما زبان هان را. یعنی زبان میلان را یاد می‌گیریم. به‌علاوه، ما برای پیشرفت کشور به‌برادران و خواهران هان هم احتیاج داریم.»

آقای کیم گفت: اینجا وضع کمی فرق می‌کند، چون گره‌ایها در اکثریت هستند. ولی گره‌ایها و هان‌ها به‌عنوان اتباع چین از حقوقی کاملاً مساوی برخوردارند. اگر ما می‌توانیم لباس و کفشمان را خود تولید کنیم و فرهنگیان را زنده نگه داریم برای آن است که دولت به فرهنگ و سنتهای اقلیتها احترام می‌گذارد و به آنها چون سرمایه‌های ملت می‌نگرد. با اینکه هان‌ها اینجا در اقلیت هستند ولی از حقوق مساوی با گره‌ایها برخوردارند. ما با همان توجه خاصی که دولت مرکزی نسبت به ما نشان می‌دهد با دوستان هان خود رفتار می‌کنیم. بله، دوست عزیزم، اگر حوصله بازديد از مدارس، کارخانجات، ادارات دولتی، تعاونیها و مراکز هنری و ادبی ما را داشته باشید، خواهید توانست میزان پیشرفت ما را ارزیابی کنید.»

در حالی که حرفهایش را گوش می‌دادم نتوانستم از این فکر خودداری کنم: «آدم را به‌یاد سخنرانیهای تبلیغاتی می‌اندازد.»

در مورد خودتان چه فکر می‌کنید؟ شما در وهله اول خود را چینی می‌دانید یا گره‌ای؟

آقای کیم جواب داد: «من بنگ تبعۀ چینی و از نژاد گره‌ای هستم ولی هیچ تضادی بین ملتیم و نژادم نمی‌بینم.»
آقای وانگ اضافه کرد: «اگر سیاسی صحیح درخمسرس اقلیتهای نژادی اتخاذ شود، تضاد و حتی خصومت در بین نژادهای مختلف به‌وجود خواهد آمد و اگر وجود اقلیتها نادیده گرفته شود و از حقوقشان محروم شوند ممکن است وضعی وخیمتر هم به‌وجود آید.»

من ادامه دادم: «خواهش می‌کنم از این سؤال من ناراحت نشوید ولی آیا فکر می‌کنید در منطقه خودتان صاحب اختیارید؟ هیچوقت به‌فکر تشکیل دولت مستقل و یا ملحق شدن به گره شمالی یا جنوبی نیتشاده‌اید؟»

آقای وانگ گفت: «نگران نباشید، هر چه می‌خواهید پرسید. من مطمئنم که دوستان گره‌ای ما با صراحت تمام به‌شما جواب خواهند داد و هر چه را مایلید ببینید به‌شما نشان خواهند داد.»
آقای کیم پیشنهاد کرد: «برویم از چند خانواده گره‌ای دیدار کنیم.»

آقای وانگ با لبخند گفت: «بیاده برویم تا بتوانیم از هوای زمستانی لذت ببریم و زیبایی برف را تحسین کنیم.»
آقای کیم افزود: «خیلی دور است.»

توجهات ویژه

همان‌طور که به‌یکی از خانه‌ها نزدیک می‌شدیم دیدیم همه افراد خانواده جلوی در منتظر ما ایستاده‌اند و با کف زدن از ما استقبال می‌کنند. پس از آنکه به همه معرفی شدم، خانۀشان را که شامل یک آشپزخانه، یک اتاق مهمان و چند اتاق خواب بود به‌من نشان دادند. خانه کوچک ولی مرتب و پاکیزه بود. در آشپزخانه یک تلبه آبی دیده می‌شد.

آقای کیم توضیح داد: «همۀ آشپزخانه‌های گره‌ای چنین تلبه‌ای دارند.»

آقای وانگ پرسید: «و آشپزخانه‌های هان‌ها چطور؟»
هان‌ها اکثریت نژادی را در چین تشکیل می‌دهند، مثل کین‌ها در ویتنام و جاوایها در اندونزی.

آقای کیم گفت: «نه، من می‌ترسم که هان‌ها به‌دلیل توجهات ویژه‌ای که دولت صرف گره‌ایها می‌کند، به‌آنها حسادت کنند.» من پرسیدم: «به‌دلیل تلبه‌های آب؟»

آقای کیم جواب داد: «تها تلبه‌های آب نیستند. این فقط جزئی از توجه خاص دولت چین به‌ما و به‌طور کلی به‌اقلیتهاست. اینجا ما مدارس خاص خود را داریم و زبان گره‌ای زبان تدریس ماست. ما لباس و کفشمان را خود تولید می‌کنیم و از آنجایی که در این منطقه در اکثریت هستیم، قدرت سیاسی و اقتصادی را تحت کنترل داریم. البته»



روستای هائو در هابلونگ جیانگ، شهرستانی بزرگ در شمال شرقی چین که بیشتر سکنة آنها هانرند.

کوسنی سولانگ

محقق و نویسنده سیاسی کمونزیست، وی چنین نویسنده و دیوان شعر در قبیل آکولو اسپرلا (۱۹۹۲) منتشر کرده است.

تقریرهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وی در بسیاری از نشریات کمونزیست انتشار یافته است.